



قرن نو، جهان نو
نسل نو، نگاه نو

مجموعه آثار ۲۱

قرآن

و

تفسیر راهبردی از تاریخ

اسلام و صهیونیسم

در راستای تدوین استراتژی مشترک بین شیعه و سنی جهت اتخاذ
موضع واحد در قبال جبهه‌ی مشترک صهیونیسم یهودی و صهیونیسم
مسیحی در قرن ۴۴ اسلام ذبیحی برای جهانی سازی دعوت ابراهیمی

«نمونه‌ای کوچک از مسائل اجتهاد نشده‌ی اسلام»

سید حسین موسوی زنجانی

سرشناسه:

موسوی زنجانی، حسین، ۱۳۲۶.

عنوان و پدید آور:

قرآن و تفسیر راهبردی از تاریخ اسلام و

صهیونیسم در راستای استراتژی مشترک

بین شیعه و سنی. / حسین موسوی زنجانی

مشخصات نشر:

قم: سلسبیل، ۱۳۸۶

مشخصات ظاهری:

ص ۱۶۰

شابک:

978-964-8387-48-5

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت:

بالای عنوان: قرن نو، جهان نو، نسل نو، نگاه نو

موضوع:

اسلام و صهیونیسم

موضوع:

یهودیان در قرآن

موضوع:

اسلام و یهودیان

رده بندی کنگره:

۴ق ۸م / ۲۲۷ / BP

رده بندی دیویی:

۲۹۷ / ۳۷۳

شماره کتابخانه ملی:

۱۰۴۹۲۶۱



انتشارات سلسبیل

قرآن و تفسیر راهبردی از تاریخ اسلام و صهیونیسم

نویسنده: سید حسین موسوی زنجانی

ناشر: سلسبیل

چاپ: ظهور

نوبت چاپ: اول (تابستان ۸۶)

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

بها: ۱۴۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۴۸-۸۹۰۳-۹۶۴-۹۷۸

مرکز پخش: انتشارات سلسبیل: ۰۹۱۳۲۵۳۰۹۰۶

کلیه حقوق محفوظ است

فهرست مطالب

چند تذکر ضروری	۶
پیشگفتار	۷
چشم انداز کلی کتاب	۱۳
بخش اول: مرحله نخست تاریخ	۱۸
بخش دوم: مرحله دوم تاریخ	۲۴
بخش سوم: مرحله سوم تاریخ	۲۷
بخش چهارم: قضیه نزول وحی در غار حرا و نقش یهود در تکوین آن	۳۲
بخش پنجم: یهود و القاء اختلاف بین مسلمانان در قضیه زمان نزول قرآن	۴۰
بخش ششم: پشت صحنه ماجرای گوساله پرستی یهود و	۴۶
مدارک پنج امتیاز اسلام که یهود را عقده‌ای کرد	۵۰
خلاصه این خرافات این است:	۵۳
بخش هفتم: طولانی ترین نبرد تاریخ بشر	۵۵
بخش هشتم: تاریخ تمدن ویل دورانت و یا صهیونیسم تمدن پرورده	۵۹
بخش نهم: یهود، جعل یک روایت و به زحمت انداختن سی مفسر بزرگ	۶۳
بخش دهم: شگردهای یهود معاند در نفوذ به اطرافیان رسول خدا ﷺ	۶۹
بخش یازدهم: جابجائی صفوه (برگزیدگان خدا) توسط عمر	۷۴
بخش دوازدهم: نقطه‌ای قرآنی که یهود از آن به درون اسلام رخنه کرد	۸۰
قایل در منبر هابیل برای تبدیل قصه به علم می‌کوشد	۸۴
شاگردان تربیت یافته در مکتب کعب الاحبار یهودی	۸۴
بخش سیزدهم: شناسائی جلسه محرمانه بنی اسرائیل نفوذی با بنی امیه	۸۷
بخش چهاردهم: آل ابراهیم، آل کساء، اهل بیت، اهل ذکر و صفوه	۹۲
کودتای بنی اسرائیلی و بنی‌امیه‌ای علیه بنی‌هاشم	۹۹
بخش پانزدهم: دست یهود در دست ابن خلدون!	۱۰۲

۱۱۴	بخش شانزدهم: پاسخ به پرسشها.
۱۱۴	امتیازات رسول خدا ﷺ چه از نظر شخصی چه از نظر امتیازات.
۱۲۰	مفسری بنام سُدی.
۱۲۱	اجماع اصحاب.
۱۲۱	اعمال رأی نفس به جای حکم خدا منطق چه کسی بود؟
۱۲۲	فراریان دیروز، رهبران امروز.
۱۲۳	چگونه بیت حجه است؟
۱۲۳	بر چه مبنائی تمام تاریخ سه مرحله دارد؟
۱۲۴	ملاک در شناخت تاریخ، تمدن و مذهب همیشه زنده.
۱۲۵	ضرورت تألیف رجال جدید با نگاه جدید.
۱۲۵	دخالت یهود در منع زیارت قبر رسول خدا ﷺ.
۱۲۶	علت عدم قبول حکم سنگساری.
۱۲۷	ضرورت تجدید نظر در نگاه به حدیث ثقلین.
۱۳۰	فاران کجاست؟
۱۳۰	مدرک انشقاق‌های نسلی تاریخ ساز.
۱۳۱	بهانه دیگر یهود.
۱۳۱	سرچشمه تصمیم برای نوشتن کتاب آیات شیطانی.
۱۳۲	مصدّقی از اسرائیلیات در کتب به اصطلاح تاریخی مسلمانان.
۱۳۲	بهانه دیگر یهود برای دشمنی با رسول اسلام.
۱۳۲	علت انکار نبوت سلیمان و داود از سوی خود یهودیان.
۱۳۳	تکرار قضیه بنی اسرائیل در بنی اسماعیل.
۱۳۳	ایده نژادپرستی تزریق شده از سوی یهود نژادپرست.
۱۳۴	روایت غیرقابل قبول.
۱۳۴	علت اختصاص خمس به سادات.
۱۳۵	چرا نقل سنت در عصر عمر بن عبدالعزیز آزاد شد؟
۱۳۵	اهل بیت ابراهیم علیهم السلام.
۱۳۶	رسالت کتاب تاریخ و عقاید ادیان و مذاهب سامی.

۱۳۷	مدرک تفسیر مصطفی.....
۱۳۷	اسماعیل صادق الوعد کیست؟.....
۱۳۷	اطلاع عبدالمطلب از رسالت رسول خدا ﷺ.....
۱۳۷	مشخصات رسول خدا ﷺ پیش مسیحیان.....
۱۳۸	مشخصات امت رسول اکرم ﷺ در الواح موسی.....
۱۳۸	اطلاع خود یهودیان از مشخصات رسول خدا ﷺ.....
۱۳۹	اشتباه در برداشت.....
۱۴۰	خیانت تاریخی درباره بنی اسماعیل.....
۱۴۱	تاریخ مهاجرت یهودیان از فلسطین به حجاز.....
۱۴۱	بازرترین نمونه برای اثبات نفوذ یهودیان به طبری.....
۱۴۱	شخصی به نام جابر ابن حیثان طرسوسی و یا کوفی وجود ندارد.....
۱۴۲	ایده ای که در تشهد نیز مشهود است.....
۱۴۲	اگر ابراهیم مؤسس اسلام است مالز او دستوری خطاب به خود نداریم.....
۱۴۳	آیا شعیب از اولاد ابراهیم است؟.....
۱۴۳	صالح و یهود.....
۱۴۴	فلسفه زیارت خواندن.....
۱۴۴	تعمدهای طبری.....
۱۴۵	چرا رهبری باید به دستور خدا انتخاب شود.....
۱۴۵	ضرورت خانه تکانی در نگاه به تاریخ.....
۱۴۵	اشتباه در برداشت.....
۱۴۶	اشتباه در برداشت دیگر.....
۱۴۶	غفلت بزرگ در تفسیر نمونه.....
۱۴۶	بحثی پیرامون وجود دو ملک بازپرسی در شب اول قبر بنام نکیر.....
۱۴۶	و منکر.....
۱۵۵	دامنه بازنگری.....
۱۵۶	اولین نماز عید قربان.....
۱۵۶	نقد نظرایت الله جوادی آملی.....

بسم الله الرحمن الرحيم

چند تذکر ضروری :

الف - نگارنده اذعان دارد که ما مسلمانان نه با خداوند متعال مکالمه داشته‌ایم و نه با رسول خدا ﷺ و ائمه اطهار علیهم‌السلام، بلکه این اسلام موجود، زیر سایه‌ی کوششهای علمای اسلام به دست ما رسیده است. به همین علت بیان بخشی از مسائل بررسی نشده‌ی تاریخ اسلام، به هیچ وجه دلیل بر کوتاهی علمای اسلام در این زمینه نمی باشد؛ بلکه دست ایشان برای بیان بخشی از مسائل تاریخی اسلام در طول ۱۴ قرن گذشته بسته بوده است. در متن کتاب آمده است که امام صادق علیهما السلام می‌فرماید: «از زمان بعثت حضرت نوح (به خاطر وجود خطر بت پرستان و ضعف تحلیلی مومنان) بخشی از علوم همواره غیر قابل انتشار بوده است».^(۱)

ب - نگارنده معتقد است که در شرایط کنونی حفظ اتحاد بین مسلمانان یک وظیفه‌ی دینی است، مخصوصاً با توجه به اینکه امسال (۱۳۸۶) سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نامگذاری شده است. ولی معنای لزوم حفظ وحدت بین شیعه و سنی این نیست که حقایق تاریخی ثبت شده در کتب اهل سنت نیز برای کشف نقاط کور تاریخ مسلمانان، نقد و بررسی نشود. آری تحقیر بزرگان، خلفا و علمای اسلام نه تنها ممنوع بلکه حرام است.

ج - آنچه تاکنون باعث اختلاف و تفرقه شده، بی اطلاعی مسلمانان از مواضع یکدیگر بوده است. این کتاب، حقایق تاریخی را به صورتی کاملاً مستند، با لحنی کاملاً مودبانه و منصفانه به چالش می‌گذارد، و از هرگونه انتقاد و پیشنهادی با کمال میل استقبال می‌کند. آنچه موجب اختلاف است، جهل است نه علم^(۲) و آنچه موجب تفرقه است، بی خبری است، نه آگاهی. ما در این راه (اتحاد مسلمانان) دست فرد فرد برادران اهل سنت را از باب دوستی و محبت می‌فشاریم، بویژه دست کسانی را که مطالب این کتاب را مورد نقد و بررسی قرار داده و خطای ما را گوش زد کنند.

این حکمت منسوب به علی علیهما السلام است: «کن فی الحرص علی تفقد عیوبک کعدوک»^(۳) = در کشف عیبهای خود مانند دشمن خود باشید.

۱- جامع احادیث الشیعه / ج ۱ / ص ۲۲۹.

۲- معنای این عبارت این نیست که بین عالمان اختلاف نیست آنجا هم اختلاف وجود دارد منتها عامل اختلاف بین علماء عنصر علم نیست.

۳- شرح ابن ابی الحدید / ج ۲۰ / ص ۳۰۵.

پیشگفتار:

ریچارد نیکسون رئیس جمهور اسبق آمریکا در کتاب «فرصت را در یابیم» صفحه ۲۲۳ می نویسد: " وقتی که بزرگان دوران رنسانس اروپا مرزهای معرفت را توسعه می دادند به این دلیل دور دستها را می توانستند ببینند که بر شانه غولهای جهان اسلام ایستاده بودند" نگارنده هم، نظر ایشان را قبول دارد و با اعتراف به این حقیقت می گوئیم:

اگرچه ما مسلمانان روزگاری در اغلب علوم و فنون سرآمد روزگار خویش بوده ایم، و حتی امروز نیز از نظر " فقه سنتی و فلسفه " و (مخصوصاً در دهه های اخیر در صحنه های مختلف علمی)، در مقایسه با دیگران پیشتازیم، ولی از نظر " تحلیل تاریخی " - بدلیل اینکه امامان معصوم علیهم السلام از حضور در صحنه ی سیاسی جهان اسلام منع شده بودند - از ابتدا ضعیف بوده ایم، و امروز نیز علی رغم نیاز شدید نسل جدید به اینگونه تحلیل های تاریخی، همچنان ضعیف مانده ایم. در واقع اگر امروزه کسی بگوید اوضاع سیاسی بسیار آشفته ی جهان اسلام معلول ضعف تحلیل تاریخی مسلمانان است سخنی به گزاف نگفته است.

بخش عمده ی تاریخ مسلمانان را دیگران نوشته اند، حتی گاهی تاریخ مسلمانان را دشمنان نفوذی نوشته اند، تاریخ شیعه، بین فرق اسلامی، توسط مورخین خود شیعه با تقیه نوشته شده، و حقیقت ها نوشته نشده است، حقایق مربوط به شیعه از فیلتر باز دارنده ی سیاسی جباران و حاکمان جور وقت عبور داده شده است. بر این اساس تا اوایل قرن حاضر تاریخ مسلمانان بویژه تاریخ شیعه را یا خودی ها نوشته اند بدون تحلیل، یا دشمنان نوشته اند، با تحلیل و تخریب؛ و بوضوح معلوم است که هم تاریخ بدون تحلیل خودی ها ضرر دارد، هم تاریخ با تحلیل دشمنان خطر!^(۱)

۱- به عنوان مثال: طبق نقل مرحوم کلینی در روضه ی کافی ص ۱۱۵ امام صادق علیه السلام می فرماید: غافل اصلی در اقدام قایبل برای قتل هابیل، علاوه بر مردود بودن قربانی قایبل، عصبانیت وی از

وصی و خلیفه بودن هابیل، برای آدم علیه السلام، و انتقال علم به اسماء، از آدم علیه السلام به هابیل نیز بوده است. قابیل بعد از کشتن هابیل مطلع شد که آدم علیه السلام، شیث را به عنوان خلیفه و وصی خود برگزیده است، وارد منزل شیث شده و گفت: می دانی! من به این خاطر هابیل را کشتم تا نسلی از او باقی نماند که در مقابل فرزندان من فخر بفروشند که ما فرزندان کسی هستیم که قربانی او قبول شده ولی قربانی پدر شما قبول نشده است. متن عبارت منقول از قابیل چنین است:

"وإنما قتلته لكيلا يكون له عقب فيفتخرون على عقبى فيقولون نحن أبناء الذي تقبل قربانه وأنتم أبناء الذي ترك قربانه"

مرحوم ابن ابی الحدید صاحب شرح نهج البلاغه در جلد اول ص ۱۸۹ چنین می نویسد: عمر، خطاب به عبد الله بن عباس گفت: "مردم به این دلیل راضی نشدند علی علیه السلام خلیفه بشود، که در این صورت هم رسالت و هم خلافت در یک خانواده جمع می شد و شما بنی هاشم از شدت فخر فروشی، بیش از اندازه باد می کردید و مردم به شما طوری نگاه می کردند، که گویی گاو به قصاب (معادل فارسی: گویی شتر به نعلبند). عبارت عمر چنین بوده: "إن قومکم کرهوا أن تجتمع لکم النبوه والخلافه فتذهبون فی السماء بذخا و شحاً". پس چون رسالت در بنی هاشم مستقر شده باید خلافت در خانواده ی دیگر مانند بنی امیه باشد و اگر علی علیه السلام خلیفه شود مردم می گویند هم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و هم خلیفه ی او هر دو در بیت بنی هاشم جمع شده است. در این صورت هم بنی هاشم از افتخار یاد می کنند و هم مردم حسادت. به این دلیل صلاح در این است که علی علیه السلام خلیفه نشود. از طرفی مرحوم قطب راوندی شیعه با استناد به یک روایت بی سند مدعی شده است که علی علیه السلام فرموده که عمر به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده: نبوت و خلافت در یک خانواده جمع نمی شود. مرحوم ابن ابی الحدید سنی، مع قطب راوندی شیعه را به حق گرفته و گفته است که عمر چنین روایتی را نقل نکرده است. بلی حق با ابن ابی الحدید است، چون چنین مطلبی را عمر نگفته، بلکه عمر استناد به افتخار بنی هاشم و حسادت دیگران کرده که این همان استدلال قابیل است.

پس این نوع دفاع بی تحلیل و بدون اتکاء به اخبار معتبر از سوی مرحوم قطب راوندی موجب تشدید اختلاف بین شیعه و سنی می شود (تعجب آور تر اینکه مرحوم علامه طباطبائی ذیل آیه ی ۲۷ سوره ی مائده جلد ۵ ص ۳۰۱ از تفسیر المیزان فرموده است: "تنها عامل برای قتل هابیل توسط قابیل

حسادت او نسبت به قبولی قربانی هابیل بوده" وصی و خلیفه بودن هابیل را مطرح نکرده است) بنا بر این طبق نقل ابن الحدید سنی استدلال عمر، همان استدلال قابیل بوده است که در بالا از امام صادق علیه السلام نقل کردیم و استدلال قطب راوندی و علامه طباطبائی غیر قابل استناد به نظر می رسد.

ما با کمی دقت در می یابیم که بدنه و شاکله‌ی تاریخ مسلمانان را سه کتاب مشهور تشکیل داده اند :

۱- تاریخ طبری، که در غفلی آشکار در محفلی مرکب از یهودیان نفوذی نوشته شده است، که رأس هرم تاریخ مسلمانان را اشغال کرده است.
۲- تاریخ ابن خلدون که غالباً جهت گیری یهودی دارد، و بخش میانه‌ی تاریخ اسلام را اشغال کرده است.

۳- تاریخ تمدن ویل دورانت که در کنترل نماینده صهیونیستها یعنی آقای هری ولفسن تدوین شده و پای هرم تاریخ اسلام را اشغال کرده است.
با استناد به سه مورد فوق می توان گفت که تاریخ مسلمانان و مخصوصاً تاریخ شیعه به جز در حوزه‌ی بسیار محدود در حصار و اسارت یهود قرار دارد! آنچه غالباً نوشته شده گوئی انتخاب دشمنان نفوذی است! هنگامیکه در تفسیر بزرگی چون مجمع البیان، بیش از ۱۴ مورد از نوشته‌های ابو جعفر طبری - که یک مفسر تحت تأثیر اسرائیلیات یهودی‌ها است - به اشتباه به اسم ابوجعفر امام باقر علیه السلام نقل می شود، تکلیف سایرین روشن خواهد بود. مرحوم طبرسی مؤلف مجمع البیان "ابوجعفر" طبری را به اشتباه، "ابوجعفر" باقر علیه السلام تصور کرده است! چون واژه‌ی طبری پس از ابوجعفر در متن کتاب طبری نیامده بوده است!! اما طبری کیست؟ و تاریخ و تفسیر او چیست؟، باید بدانیم تنها در جلد اول تاریخ طبری ۸۵ داستان بصورت علنی از یهود نقل

معاویه نیز همین استدلال عمر را که مورد تأیید ابن ابی الحدید نیز بوده باز در قبال ابن عباس به کار برد (در المثنور جلد ۲، ص ۱۷۳) تفصیل استدلال عمر را طبری سنی در جلد ۵ ص ۲۰۶۲ ترجمه‌ی پاینده آورده است بدون اینکه عمر، معاویه، ابن ابی الحدید، قطب راوندی، علامه طباطبائی، صاحب در المثنور و طبری متوجه این نکته بشوند که عدم جواز اجتماع رسالت و خلافت در یک خانواده، یک اصل مخصوص یهودیان پس از موسی علیه السلام بوده که تبلور آن را قرآن کریم در سوره‌ی بقره از آیات ۲۴۶ تا ۲۵۱ در قضیه‌ی رسالت حضرت سموئیل و خلافت و پادشاهی طالوت نقل کرده است و هیچگونه ربطی به اسلام ندارد و یهودیان نفوذی می‌خواستند با تزریق این اصل یهودی به داخل اصحاب رسول صلی الله علیه و آله خلافت را از دست بنی هاشم خارج سازند، که ساختند.

شده است، حال مطالب منقول غیر علنی را می توان حدس زد! البته اشتباه نشود معنای این حرف این نیست که چون در تاریخ و تفسیر طبری قصه اسرائیلی زیاد است پس این تاریخ به کلی قابل مطالعه و استناد نیست، نه خیر، غرض این است کتاب های او باید نقد و بررسی، سپس تصفیه و اصلاح گردد. در هیچ کتاب معتبر شیعه مانند کتب اربعه، وسائل الشیعه و حتی مستدرک مرحوم حاجی نوری قضیه ی نزول قرآن در غار حراء نیامده است، پس چگونه مرحوم مجلسی، ابن شهر آشوب، ابن ابی الحدید و مرحوم خوئی (صاحب شرح نهج البلاغه) آن را مشهور بین اصحاب معرفی می کنند؟! قضیه ای که حتی مورخ معروف "یعقوبی" نقل نکرده است، این موضوع در هر کتابی نقل شده است یا خود کتاب سند ندارد، مثل تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) و نیمه ی دوم خطبه ی قاصعه در نهج البلاغه و یا روایت نقل شده مربوط به نزول قرآن در غار حرا سند ندارد و مرسله است و یا بعضی از راویان آن مجهول اند! اگر در سند یک روایت پنج نفر راوی واقع شده باشد بطوریکه از یکدیگر آن روایت را نقل کرده باشند و فقط یکی ضعیف باشد کل سند بی اعتبار خواهد بود. آیا تا به حال به این مطلب فکر کرده ایم که عبارت ذیل: "ابراهیم جهانیان را بسوی کعبه دعوت می کند. اما محمد امین (علیه السلام) کنار کعبه را رها کرده، یک غار را جهت عبادت انتخاب می کند"، در کتب تاریخی چه معنا و مفهومی دارد؟! چرا اهل بیت (اهل بیت الله الحرام) اهل غار شده اند؟ و آیا فکر کرده ایم که چرا یهود اصرار دارد رسول اسلام را یک عرب غار نشین معرفی کند؟! آری چون در تورات و انجیل برای یهود و نصاری ابلاغ شده بود که رسول خاتم در حرم ابراهیم (مکه) مبعوث خواهد شد به همین علت محل بعثت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را در خارج از حرم در یک غار معرفی کرده اند تا بگویند او رسول موعود نیست.

به هر حال صاحب این قلم ناتوان در این کتاب در مقام بیان مسائل ذیل

است:

الف - جریان تاريخ دارای قانون است و راه فهم این قانون را قرآن بیان فرموده است.

ب - اغلب نویسندگان کتب تاریخی مسلمانان مستقیم و غیر مستقیم، تحت تأثیر اسرائیلیات یعنی القائنات یهودیان نفوذی قرار داشته اند و مورخین شیعه هم علی رغم کوشش صادقانه خویش در فضای تقیه، توان بیان حقایق را نداشته و گاهی هم علی رغم حسن نیت خود، توان تحلیل نداشته اند.

ج - اغلب مورخین جهان اسلام در عصر حاضر نیز متوجه این مهم نیستند، که بخش زیادی از مطالب کتبی مانند قصص الانبیای ابن خلف نیشابوری، الفتوح ابن اعثم کوفی، تاریخ و تفسیر طبری، تفسیر المعاریس ثعلبی و دهها کتاب از این نوع چه خطری برای مسلمانان، مخصوصاً برای شیعه دارند و باید بازنگری اساسی در نگاه به تاریخ صورت گیرد.^(۱) و در این باز نگری امکان موفقیت نیست مگر اینکه به این حقیقت پی ببریم، که درک تاریخ اسلام بدون مطالعه دقیق تاریخ عملکرد پیروان انبیای سلف، مخصوصاً یهود ممکن نیست. تاریخ به مثابه‌ی سلسله زنجیر است، و دین جهانی اسلام (نه اسلام‌های مقدماتی انبیای گذشته) یکی از حلقه‌های این زنجیر، و شناخت جایگاه یک حلقه از کل زنجیر ممکن نیست، مگر پس از شناخت کل زنجیر.

د - در متن کتاب به تفصیل خواهد آمد که تضادها و تعارضات تاریخی مؤثر در سرنوشت تمام بشر ۳ مرحله دارد، مرحله سوم این تضاد و تعارض بین اسلام و یهود است که تا قیامت ادامه خواهد داشت^(۲) و سایر تضادها و تعارضات بشری موقتی است و مؤثر در سرنوشت بشر نیست و در این تضاد

۱- مثلاً کتاب‌هایی که می‌نویسند: کارگر ساختمان کعبه ابلیس بوده، هاجر و اسماعیل نخستین بانیان فرهنگ سوسمار خواری بودند، مار محافظ کعبه بوده، کعبه مرکز فحشا بوده و مسائلی که نقل آن خیانت دیگری است. (علاقه‌مندان مراجعه کنند به کتب مذکور در متن)

۲- مائده/۶۴ و اسراء/۷.

همواره تفوق و دست بالا با اسلام خواهد بود.^(۱)

در پایان این پیشگفتار لازم به ذکر است که نویسنده طبق مشی خود، در تمامی کتابهایی که تاکنون در خصوص "بیدار باش مسلمانان" نوشته، تعمداً از عبارات محاوره‌ای استفاده می‌کند و آن را در این قبیل کتاب‌ها مؤثر می‌داند. لازم به تذکر است منظور ما در تمام کتاب‌ها از واژه‌ی یهود "صهیونیسم" است، نه یهودیان مومن و هموطنان عزیز کلیمی، که از ابتدا مورد احترام مسلمانان بوده و همچنان خواهند بود.

صریح‌تر بگوییم منظور ما از یهود آن فرقه‌ای است که برای انکار ظهور عیسی مسیح علیه السلام ۱۶۵۰ سال زمان (تاریخ) بشر را انکار کرده^(۲) و برای انکار ظهور رسول اسلام صلی الله علیه و آله مکان بشر (سرزمین فلسطین) را انکار کرده است.

اردبیل، بهار ۱۳۸۶

سید حسین موسوی زنجانی

۱- بخاری کتاب جهاد و سیر باب ۹۴ و کتاب مناقب باب ۶۵ و صحیح مسلم کتاب فتن حدیث ۷۹ و ۸۲ و ۱۲۴ و ترمذی کتاب فتن باب ۵۶ و سنن ابن ماجه کتاب فتن باب ۳۳.
۲- کامل ابن اثیر جلد ۱، ص ۱۵ ترجمه‌ی دکتر روحانی.